گفت‌وگویی «جوان» با نویسنده کتاب
«گزیده‌ای از آنچه در کربلای ۴ گذشت» پیرامون این عملیات

اجماعی جهانی برای مقابله با عملیات کربلای ۴ صورت گرفته بود

تصویری از رزمندگان حاضر در عملیات کربلای ۴

■ علیرضا محمدی

کتاب «گزیده‌ای از آنچه در عملیات کربلای ۴ گذشت» به قلم محمود نجیمی به رشته تحریر در آمده است. نجیمی علاوه بر نگارش این کتاب، خود نیز از رزمندگان حاضر در کربلای ۴ بود. لذا علاوه بر تحقیقاتی که راجع به این عملیات انجام داده است، از مشاهدات خود نیز برای تدوین این کتاب بهره برده است. عملیات کربلای ۴ از سوم تا پنجم دی ماه ۱۳۶۵ به منظور تکمیل متصرفات ایران در منطقه فاو صورت گرفت. سال قبل (۱۳۶۴) و در جریان عملیات والفجر ۸، ایران توانست شبه جزیر فاو را بگیرد و اکنون رزمندگان می‌رفتند تا در شمال فاو و جنوب بصره، وارد عمل شوند. در گفت‌وگو با نجیمی، سعی کردیم به برخی از ناگفته‌های عملیات کربلای ۴ از زوایای مختلف بپردازیم.

کربلای ۴ یک عملیات بزرگ بود. هرچند با عدم الفتح روبه‌رو شد، اما قاعدتاً بازتاب‌های بین‌المللی داشت. بعثی‌ها یا حامیان بین‌المللی‌شان چه دیدگاهی نسبت به این عملیات داشتند؟

من در کتابم، به نگاه دو کارشناس دشمن در خصوص حرکت رزمندگان ایران در قالب عملیات کربلای ۴ پرداختم. یکی از آنها وفیق سامرایی از افسران اطلاعاتی بعثی‌ها است. او معتقد بود که واحدهای اطلاعاتی ارتش بعث توانسته بودند به خوبی محورهای عملیاتی ایران در کربلای ۴ را شناسایی کنند. این افسر بعثی در خاطراتش می‌نویسند که: «حمله در دو منطقه آغاز شده بود و در پیش‌بینی زمان و محور حمله و میزان نیروهای مهاجم موفقیت بزرگی نصیب ما شده بود. این حمله به شدت سرکوب گردید و ارتش عراق این نبرد را «روز بزرگ» نامید. جایگاه اطلاعات بار دیگر اوج گرفت و موقعیت خود را بازیافت. دورانی که اطلاعات در صحنه حضور نداشت، پایان یافت. بنابراین صدام به من نشان نظامی «الرافدین» و یکسال ارشدیت داد.» البته سامرایی چون افسر اطلاعاتی بود می‌خواسته کمی هم نقش خودش را در این ماجرا پررنگ کند. در حالی که بسیاری از دلایل هوشیاری دشمن در خصوص عملیات کربلای ۴ به جبهه ما برمی‌گردد. چند ماه قبل از شروع این عملیات، ایران تبلیغات وسیعی در خصوص اعزام قوای محمد(ص) راه می‌اندازد و در نمازجمعه‌ها هم صحبت از روشن شدن سرنوشت جنگ در عملیات آتی راه می‌افتد که اینها باعث می‌شود دشمن هوشیار شود. به همین نسبت، علاوه بر بعثی‌ها، ابرقدرت‌ها هم که نمی‌خواستند اجازه بدهند ایران پیروز شود، به صرافت می‌افتند تا هر چه توان دارند به کار ببرند و نگذارند ایران در عملیات پیش‌رو که آن را رسماً اعلام کرده بود، موفق شود.

به نظر می‌رسد در جبهه خودی یک نوع اعتماد بنفسی در خصوص انجام عملیات کربلای ۴ به وجود آمده بود که ماه‌ها قبل از شروع آن، رویش تبلیغات می‌شد.

ایران یک سال قبل از کربلای ۴، فاو را گرفته بود. موفقیت در والفجر ۸ آن هم بعد از چند ناکامی در عملیات بزرگ صورت گرفته، باعث شده بود تا این تصور پیش آید که می‌توانیم در عملیات بعدی، سرنوشت جنگ را یکسره کنیم. البته این را هم اضافه کنم که آقای هاشمی به عنوان فرمانده جنگ، اعتقاد به یک پیروزی بزرگ و یکسره کردن کار جنگ داشت. در سال ۶۵ وقتی که اعزام‌های سراسری در قالب سپاه محمد(ص) صورت گرفت، ما رسماً اعلام می‌کردیم که می‌خواهیم این نیرو را برای عملیات بعدی وارد عمل کنیم. از سال ۶۲ که ایران هر سال یک عملیات بزرگ انجام می‌داد، هر ساله در فصل زمستان وارد عمل می‌شدیم و شب‌ها هم به خط دشمن می‌زدیم. لذا همه می‌دانستند که این عملیات سرنوشت ساز مورد ادعای ما، در زمستان ۶۵ انجام خواهد گرفت. خصوصاً که در نماز جمعه‌ها بارها اعلام شده بود که امسال سال سرنوشت ساز جنگ است. رأس همه هم خود آقای هاشمی بود که بارها اعلام کرد: «سال ۱۳۶۵، سال سرنوشت جنگ است. خب همه اینها باعث هوشیاری دشمن می‌شد.»

شهید حسین خرازی

در صحبت‌های‌تان اشاره به نقش ابرقدرت‌ها در عملیات کربلای ۴ کردید، کارشناسان غربی چه دیدگاهی نسبت به این عملیات داشتند؟

چند سال پیش، مرحوم نادر طالب‌زاده یک گفت‌وگویی با سرهنگ ریک فرانکونا وابسته نظامی ارتش امریکا و عضو آژانس اطلاعات دفاعی پنتاگون در بغداد، انجام می‌دهد. در این گفت‌وگو سرهنگ فرانکونا اعتراف می‌کند که ریگان بسیار نگران بود ایرانی‌ها پیروز شوند. او کلاً بسیار درباره ایران محتاط بود. نگران بود که پیروزی ایران در عراق منجر به این شود که ایران بتواند انقلاب اسلامی را بسیار گسترده‌تر کند و می‌خواست از این اتفاق جلوگیری کند. به علاوه، نگران بود که اگر ایران بتواند بر عراق مسلط شود، کشور بعدی کدام کشور خواهد بود؟ کویت؟ عربستان سعودی؟ همه ماجرا به نفت برمی‌گردد و اینکه چه کسی میدان‌های نفتی خاورمیانه را کنترل می‌کند. این افسر ارتش ایالات متحده امریکا در صحبت‌های خود اعتراف می‌کند که چطور ابرقدرت‌ها و در رأس آنها امریکا، دست عراق را در استفاده از تسلیحات شیمیایی و دیگر تسلیحات غیرمتعارف باز گذاشته بودند. در جریان کربلای ۴ هم چون سال قبلش ایران شبه جزیره فاو را گرفت و ارتباط عراق با خلیج فارس قطع شد، خیلی از کشورهای منطقه و ابرقدرت‌ها ترسیدند. با گرفتن فاو ما به نوعی همسایه کویت شده بودیم. لذا امریکا بسیار بیم داشت که مبادا در عملیات بعدی ایران پیروزی والفجر ۸ را تکرار کند. آنها نمی‌توانستند پیروزی بزرگ دیگری را برای ایران تحمل کنند و تمام امکانات‌شان را پای کار آوردند تا از طریق دادن تسلیحات و اطلاعات به عراق، آنها را حتی‌الامکان از چند و چون عملیات بعدی ما که کربلای ۴ بود مطلع سازند. می‌توانیم بگوییم برای مقابله با کربلای ۴ یک اجماع جهانی صورت گرفته بود.

در خصوص کربلای ۴ همواره این سؤال مطرح است که اگر ما می‌دانستیم دشمن هوشیار شده و گزارش‌هایی از لو رفتن عملیات وجود دارد، چرا عملیات آغاز شد؟

در همین خصوص، من در کتابم نقل قول‌هایی از برخی چهره‌ها و شخصیت‌های صاحب فکر و جایگاه در دفاع مقدس آورده‌ام. از میان این اقوال، فکر می‌کنم صحبت‌های مرحوم احمد سوداگر حرف‌های قابل تأملی باشد. ایشان می‌گوید که «در آخرین جمع بندی قبل از عملیات، فرماندهان به این نتیجه رسیده بودند که احتمال لو رفتن عملیات ۵۰ درصد است.» در طول دفاع مقدس ما عملیاتی نداریم که دشمن طی آن صددرصد غافلگیر شده باشد. در عملیات محرم تعداد پرواز هواپیماهای دشمن به قدری زیاد شده بود که نشان می‌داد آنها نسبت به تحرکات ما حساس شده‌اند. یا در عملیات الی بیت‌المقدس، فتح المبین و... نشانه‌هایی از لو رفتن حداقل بخش یا محورهایی از عملیات می‌بینیم. لذا وقتی که قرار است عملیات بزرگی چون کربلای ۴ با آن همه تجمیع نیرو انجام گیرد، باز امکان لو رفتن بخشی از عملیات مطرح می‌شود. طبق تجربیات قبلی، اگر ما می‌خواستیم صددرصد یک عملیات را مخفی نگه داریم، اصلاً نمی‌توانستیم حتی یک عملیات را انجام بدهیم. مرحوم سوداگر می‌گوید: «جنگ یک بازی است، مثل بازی شطرنج است. فاکتورهای متعددی در جنگ وجود دارد. ابتدا یک جنگ اطلاعاتی است که بعد به یک جنگ رزمی تبدیل می‌گردد... من خودم تا دو شب قبل از شروع عملیات هنوز اعتقاد نداشتم که عراقی‌ها عملیات ما را فهمیده‌اند. اما یک شب قبل از عملیات به صورت کتبی نامه به فرمانده کل نوشتم و گفتم: ارتش عراق متوجه (عملیات ما) شده است. حتی به جلسه قرارگاه خاتم رفتم که آقای هاشمی رفسنجانی و دیگران هم بودند و گفتم اگر می‌خواهید عملیات کنید، الان بهتر از دو شب یا چهار شب دیگر است. چون ارتش عراق هوشیار شده و جنگ ما یک جنگ زورکی و رودررو است... وقتی فردی با فرد دیگر بخواهد درگیر شود اما بداند که زور او بیشتر است؛ به هرحال درگیر می‌شود و می‌خواهد احقاق حقی کند. این فاکتورها هم برای ورود و هم برای خروج از عملیات وجود دارد. ما در جاهایی وقتی می‌دیدیم جنگ فایده‌ای ندارد، عملیات را رها می‌کردیم؛ کما اینکه همزمان با والفجر ۸ ما عملیات ایذایی والفجر ۸ داشتیم که وقتی به جزیره ام‌الرصاص رفتیم دوباره برگشتیم».

> در ساعات اول عملیات، به تعدادی از لشکرهایی که قرار بود نیروی موج بعدی باشند (یگان‌های پشتیبان) گفته شد وارد عمل نشوند. اما لشکرهایی مثل لشکر امام حسین(ع) که برخی از گردان‌های‌شان به خط دشمن زده بودند، همچنان در منطقه ماندند و عملیات را ادامه دادند مانند لشکر ۱۴، لشکر ۲۵، لشکر ۸ نجف، لشکر ۳۳ المهدی و ۷ ولیعصر(عج)

> شهید خرازی به حاج عباس عطایی فرمانده یگان دریایی ما گفت برو ولو اینکه خودت هم شهید شدی، بچه‌های جامانده را بیاور. عطایی رفت و به سکاندارهای لشکر ۱۴ گفت اگر شما هم نیایید من خودم می‌روم به کمک بچه‌های لشکر نجف، خلاصه قایق‌های ما می‌روند و ۶۰۰ الی ۷۰۰ نفر از بچه‌های جامانده را می‌آورند

درباره مسائل پیرامونی عملیات کربلای ۴ توضیح دهید و اینکه وضعیت نیروها و جبهه‌های ما قبل از انجام عملیات کربلای ۴ به چه شکل بود؟

سال ۱۳۶۵، سال سختی برای رزمندگان بود. چون ما انتهای سال ۱۳۶۴ عملیات والفجر ۸ را انجام داده بودیم که تا ۸۰ روز بعد از شروع سال ۱۳۶۵ همچنان به نوعی درگیر آن بودیم. هنوز برای شهدا و جانبازان این عملیات جایگزینی نیامده بود. والفجر ۸ عملیات خیلی خوبی بود ولی تعداد جانبازان و شهدایش زیاد بود. این عملیات از دشمن هم تلفات زیادی گرفت. در والفجر ۸ کار نویی را انجام دادیم و به نوعی سر عراقی‌ها کلاه گذاشتیم. به بعثی‌ها نشان دادیم می‌خواهیم در هورالعظیم عملیات کنیم، به نیروهای ارتش هم گفته شد که در شلمچه عملیات کنند، عراقی‌ها فکرشان درگیر این دو منطقه شد. هواپیماهایشان این دو منطقه را بمباران می‌کرد و نیروهای شناسایی‌شان در این مناطق درگیر بودند. هر یگانی هم یک گروهان به هورالعظیم فرستاد. زمانی که من به همراه آقای ابوشهاب، جانشین لشکر ۱۴، به هورالعظیم رفتم می‌گفتم حتماً در اینجا علمیات انجام خواهیم داد. هر کسی رزمندگان پشتیبانی، کمپرسی‌ها و قایق‌ها و مقرها را می‌دید می‌گفت حتماً در این منطقه عملیات انجام می‌شود. یک بار دشمن را اینجا فریب دادیم. پس از آن در کشور حرف از اعزام سپاه ۱۰۰ هزار نفری شد. برای اولین بار چنین جذب نیروی گسترده‌ای صورت می‌گرفت. همه برای این کار بسیج شده بودند تا جایگزین نیروهای عملیات والفجر ۸ شوند. در این نیرو جذب کردن حرف‌هایی از دهان برخی رجال سیاسی بیرون آمد که امسال سال سرنوشت‌ساز جنگ است. این جذب نیرو و مانور دادن‌ها و تبلیغات، دشمن را به تحرک وا داشت.

برخی از فرماندهان رده اول دفاع مقدس می‌گفتند که با مشخص شدن میزان هوشیاری دشمن، عملیات کربلای ۴ را ظرف چند ساعت اول به اتمام می‌رسانند، اما چرا در تاریخ این عملیات نوشته شده که ۳۶ ساعت ادامه داشت؟

در ساعات اول عملیات، به تعدادی از لشکرهایی که قرار بود نیروی موج بعدی باشند (یگان‌های پشتیبان) گفته شد وارد عمل نشوند. اما لشکرهایی مثل لشکر امام حسین(ع) که برخی از گردان‌های‌شان به خط دشمن زده بودند، همچنان در منطقه ماندند و عملیات را ادامه دادند مانند لشکر ۱۴، لشکر ۲۵، لشکر ۸ نجف، لشکر ۳۳ المهدی و ۷ ولیعصر(عج)، بچه‌های لشکر امام حسین(ع) تا بلجانیه پیش رفته بودند و فرماندهان فکر می‌کردند شاید بتوان در همین منطقه عملیات را به سمت ابوخصیب ادامه داد. برخی از گردان‌های لشکر ما در شب دوم کربلای ۴ باز وارد عمل شدند. گردان ما که گردان امام حسین(ع) به فرماندهی شهید علی باقری بود، در موج بعدی وارد شدیم که روی آب بسیاری از قایق‌های ما را زدند و شهید علی باقری روی آب‌های اروند به شهادت رسید. بعد از ما سه گردان دیگر را هم وارد عمل کردند. دو گردان به جزیره بلجانیه رفتند که از میان آنها یک گردان فقط فرمانده گردان و چند قایق‌شان توانستند به بلجانیه برسند. شب بعد هم که گروهان یاسر از گردان موسی بن جعفر(ع) وارد عمل شد که این بچه‌ها هم نتیجه نگرفتند و نهایتاً باقی مانده نیروها به عقب برمی‌گردند و عملیات به اتمام می‌رسد. اینکه می‌گویند کربلای ۴ به مدت ۳۶ ساعت ادامه یافت، مربوط به تلاش یگان‌هایی مثل لشکر ۱۴ امام حسین(ع) می‌شود.

خود شما چه خاطره‌ای از این عملیات دارید؟

وقتی ما وارد جزیره ام‌الرصاص شدیم، دیدم اینجا یک محیط باتلاقی با کانال‌ها و حوضچه‌ها و... است. اینها باعث شده بود که جزایر روی اروند مثل یک تار عنکبوت به نظر آیند. در ام‌الرصاص دشمن آن قدر نیرو ریخته بود که نیاز نبود شما نشانه‌گیری کنید، به هر سمتی شلیک می‌کردید، به یکی از نیروهای دشمن می‌خورد. از آن طرف اما شدت آتش دشمن چه از طرف نیروهای پیاده یا از طرف ادوات سنگین‌شان آن قدر زیاد بود که نمی‌شد در آنجا مدت زیادی باقی بمانیم. نهایتاً بچه‌ها برگشتند. بعد که ما به عقب برگشتیم، شهید حاج احمد کاظمی رفت پیش شهید خرازی و گفت حدود ۶۰۰ الی ۷۰۰ نفر از بچه‌های لشکر نجف در ساحل دشمن باقی مانده‌اند و ما قایق و سکاندار نداریم که بروند آنها را بیاورند. شهید خرازی به حاج عباس عطایی فرمانده یگان دریایی ما گفت برو ولو اینکه خودت هم شهید شدی، این بچه‌ها را بیاور. عطایی رفت و به سکاندارهای لشکر ۱۴ گفت اگر شما هم نیایید من خودم می‌روم به کمک بچه‌های لشکر نجف، خلاصه قایق‌های ما می‌روند و بچه‌های لشکر نجف، لشکر ۴۱ ثارالله و لشکر ۲۵ کربلا را از ساحل دشمن برمی‌دارند و به ساحل خودی می‌رسانند. وقتی که برمی‌گردند و فکر می‌کنند جزیره خالی شده است، ناگهان چند نفر دیگر به کنار ساحل می‌آیند و داد می‌زنند که ما جامانده‌ایم. بیایید به داد ما برسید. چند نفر از بچه‌های سکاندار، بدون اینکه دستوری دریافت کرده باشند، خودشان می‌روند و این بچه‌های جامانده را نجات می‌دهند و برمی‌گردند. اخوی من جزو همین سکاندارها بود. ایشان می‌گوید به قدری تیر دشمن به سمت ما می‌آمد که مجبور شدیم چند متری مانده به ساحل دشمن همان جا دور بزنیم و بچه‌های جا مانده خودشان را به داخل آب انداختند و به ما رسیدند؛ برخی سوار شدند و برخی فقط توانستند با دست‌شان لبه‌های قایق را بگیرند و در داخل آب، ما آنها را به ساحل خودی رساندیم.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۹۳۲

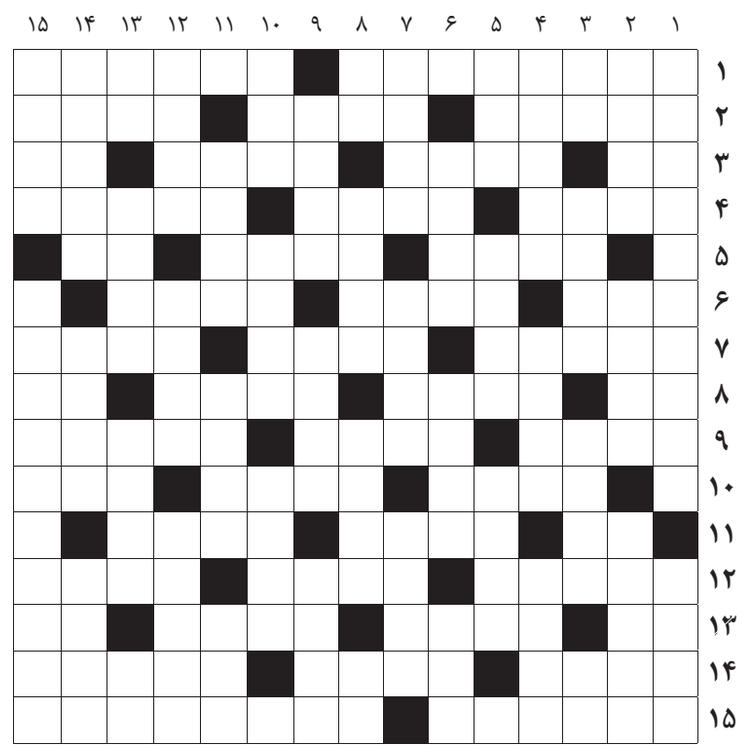

از راست به چپ

■ ۱- روز وفات این بانو که چهار فرزندش در روز عاشورا به شهادت رسیدند، روز تکریم مادران و همسران شهدا نامیده اند- درخودماندگی ■ ۲- از نام‌های پیامبر(ص) در قرآن- پایتخت قطر- چشم‌داشت ■ ۳- رطوبت- نماد نیرو، همکاری و پشتیبانی- درختی جنگلی با برگ‌های ضخیم و گل‌های خوشه‌ای- رطوبت ■ ۴- موشک ضد زره ایرانی- از دانه‌های روغنی- شجاع و دلیر ■ ۵- حصار و قلعه- پایتخت پرو- جفت ماده ■ ۶- گذرگاه- دوست خاموش- آهن قرآنی ■ ۷- از حواریون- پایتخت آل سعود- پایتخت غنا ■ ۸- تکرار حرفی- ماهی دانشگاهی- نعمت- مخفف هستم ■ ۹- شکم‌پرست- فانتزی- مخترع میکروسکوپ ■ ۱۰- میوه ترش و شیرین- سالک- پدر آذری ■ ۱۱- جنبش- تالار فرانسوی- مصون ■ ۱۲- شطرنج باز معاصر عضدالدوله- وسیله‌ای در فرمان خودرو- سزاوارتر ■ ۱۳- آش- پناهگاه- توهم- علامت پیروزی ■ ۱۴- هدیه دادن- بیماری کم‌خونی- وسایل ■ ۱۵- خونپالایی- شهری کردنشین در عراق

از بالا به پایین

■ ۱- تیمی قدرتمند در فوتبال ایتالیا- نمدمال ■ ۲- مکان و آشیان- کشنده- تاریکی ■ ۳- برگ برنده- دوا- کشف رازی- تصدیق روسی ■ ۴- بازیکن آزاد در والیبال- نقاش بنام اسپانیایی- آرزوها ■ ۵- ساختمان و سازنده‌اش- گنج- قطعی ■ ۶- از فروع دین- صبر زرد- موسیقی سیاهان ■ ۷- ترکیب ید با عنصری دیگر- زبان پاکستان- زبان ■ ۸- جدید- خواجه و آقا- نویسنده فرانسوی هوراس- فلز رسانا ■ ۹- حکایت‌کننده- ورم پای دندان- ممسک ■ ۱۰- فرزند سربه‌راه- دفترخانه اسناد رسمی- رشته کوهی در امریکا ■ ۱۱- پسوند روستاها- میوه موکتی- ازحروف مقطعه ■ ۱۲- دشمن ریشه- سازمان معروف هواپیمایی- رمان گورکی ■ ۱۳- مساوی- کم- فناوری مرتبط با ذرات ریز- ضمیر اشاره ■ ۱۴- حیوانی که در آتش نمی‌سوزد- صحیح- از اشکال هندسی ■ ۱۵- از سنگ‌های قیمتی- لقب امام رضا(ع)

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۲					۹
	۶	۵						۳
			۴	۸				۶
		۳			۲	۵		
	۴	۶						
				۹		۷		
			۸	۴				
۵					۳		۲	
۷							۸	

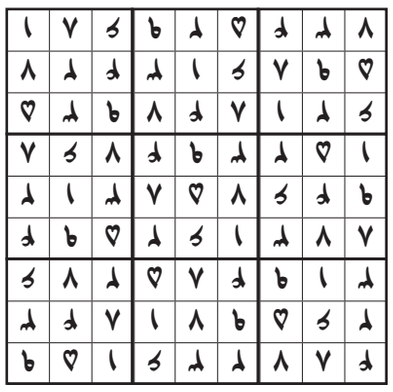

جدول کلمات متقاطع
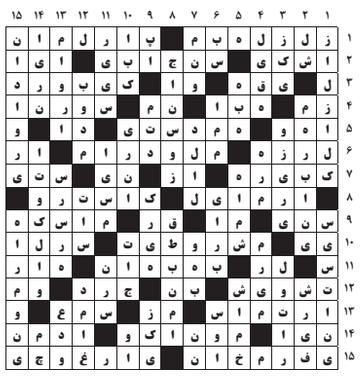
پاسخ جدول شماره ۶۹۳۱